

## جایگاه بصیرت در پاسداری از انقلاب اسلامی

علی سعیدی شاهرودی  
نماینده ولی فقیه در سپاه

به لحاظ شرایطی که در مجموعه سپاه مشاهده می‌شود و علیرغم همه تلاش و همتی که اداره سیاسی در افزایش توان و فهم سیاسی مجموعه سپاه و بسیج داشته است، اما به نظر می‌رسد گامهای بلندتری را باید در این زمینه برداریم، همانطور که در بحث معنویت یک سری کارهایی را شروع کرده‌ایم، در بحث بصیرت هم به نظر می‌رسد که گامهای بلندتر و عمیق‌تری باید برداریم، جایگاه این موضوع اگر چه در سپاه روشن است اما باید برخی از موارد مرتبط قدری روشن‌تر و عمیق‌تر مورد توجه قرار گیرد.

### ۱. معنا و مفهوم بصیرت

#### الف. تفاوت بصر با بصیرت

بصیرت به معنای روشن بینی و روشن دلی است. بصر چشم سر است و بصیرت چشم دل. بصیرت به معنای فهم و درک عمیق است که زمینه تشخیص حق از باطل و انتخاب راه درست از نادرست را برای انسان فراهم می‌کند. انسان با بصیرت و آینده‌نگر، دارای چشم انداز روشن‌تر و موضع نزدیک به حق و یا همگرا با حق است، اما انسان بی بصیرت در حرکت دچار انحراف و اشتباه می‌شود. در کلام امیرالمؤمنین (ع) آمده است: **فَقَدْ الْبَصِيرُ أَهْوَنُ مِنْ قَبْدِ الْبَصِيرَةِ** فقدان بصر به مراتب تحملش آسانتر است از فقدان بصیرت. کسی که چشم نداشته باشد با کمک عصا و دست به دیوار، بالاخره زندگی را جمع و جور می‌کند، اما کسی که بصیرت نداشته باشد به چاه‌هایی می‌افتد که بیرون آمدنش بسیار مشکل است.

## ب. رابطه ایمان با بصیرت

رابطه ایمان و معنویت با بصیرت این‌گونه است که، ایمان موتور و بصیرت چراغ، قطب‌نما و نورافکن است. معنویت موتور محرک انسان است و زمینه تحرک انسان را فراهم می‌کند ولی اگر بینش و فهم سیاسی نباشد، این حرکت به انحراف کشیده می‌شود. در تاریخ جریان‌ها و گروه‌ها و افرادی بودند که موتور محرکی داشتند اما چون درک و فهم سیاسی مؤثری نداشتند، سرعت آنها به مراتب سقوط آنها را بیشتر کرد. در مقابل بصیرت، جهالت و عوام‌زدگی و حرکت کورکورانه قرار دارد که همه اینها زمینه سقوط انسان می‌شود. پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «لَيْسَ الْأَعْمَى مِنْ يَغْمِي بَصْرَهُ أَمَّا الْأَعْمَى مِنْ تَغْمِي بَصِيرَتَهُ؛ کور کسی نیست که چشمش نابینا باشد، کور کسی است که بصیرت نداشته باشد.»<sup>۲</sup> نمونه آن در سه جنگ علی (ع) کاملاً مشهود بود. فردی مثل حارث بن حوط، دچار تحیر شد و دنبال انزوا بود، نزد امیرالمؤمنین آمد و گفت من مانده‌ام که حق با کیست؟ مگر می‌شود طلحه و زبیر با این سابقه دچار انحراف شوند؟ دو قطبی شدن جامعه برایش بسیار سنگین بود. علی (ع) وقتی تحیر او را دید: فرمود یا حارث إِنَّكَ نَظَرْتَ تَحْتَكِ وَ لَمْ تَنْظُرْ فَوْقَكَ، فَحِزَّتْ إِنَّكَ لَمْ تَعْرِفِ الْحَقَّ فَتَعْرِفْ مَنْ آتَاهُ وَ لَمْ تَعْرِفِ الْبَاطِلَ فَتَعْرِفْ مَنْ آتَاهُ.<sup>۳</sup>

تو جلوی پایت را می‌بینی و بالا را نمی‌بینی، لذا متحیر شدی (چشم انداز خوبی نداری نمی‌توانی افق‌های بالاتر را ببینی و فهم و درک عمیق نیست) همانا حق را نمی‌شناسی تا اهلش را بشناسی و باطل را نمی‌شناسی تا اهلش را بشناسی. یعنی تو بین اشخاص و معیارها گیر کرده‌ای، تو باید در اینجا با معیار حرکت بکنی، نه با اشخاص. نگاه به اشخاص سبب اشتباه و عوام‌زدگی است. عوام‌زدگی تبعات و آثار زیادی دارد از جمله:

۱. شخص‌گرایی به جای معیارگرایی؛
۲. مصلحت‌گرایی به جای حق‌گرایی؛
۳. احساس‌گرایی به جای تعقل‌گرایی.

## ۲. اهمیت بصیرت و فهم سیاسی

### الف. اهمیت قرآن به داشتن بصیرت

قل هذه سبيلي ادعو الي الله على بصيرة.

بگو این راه من است بسوی خدا دعوت می‌کنم با بصیرت.

بخشی از مطالب قرآن عبرت آموزی و تاریخ است، یا به حوادث مصداقی توجه می‌کند یا انسان را به حوادث تاریخ برای عبرت آموزی ارجاع می‌دهد.

بعضی مواقع فقدان بصیرت باعث از دست رفتن انقلابها می شود. نام موسی بن عمران در ۲۵ سوره و ۱۳۶ بار تکرار شده است. قرآن انقلاب موسی بن عمران را یکی از پیچیده ترین انقلابها دانسته و خوب تحلیل می کند. انقلابی که با همه عمق و گسترش آن سقوط می کند. وقتی که موسی به میقات رفت و هارون را به نیابت گذارد، در داخل جامعه بنی اسرائیل، اغواگران جنگ روانی راه انداختند و امت بی بصیرت تحت تأثیر جنگ و عملیات روانی قرار گرفتند. سامری از این موقعیت خوب استفاده کرد و زمینه گوساله پرستی مردم را فراهم ساخت. وقتی موسی از میقات برگشت هم ناراحت بود و هم عصبانی، چرا؟

چون امت را از فرعون پرستی به خداپرستی آورده بود و مردم بی بصیرت حالا از خداپرستی به گوساله پرستی روی آورده بودند. بصیرت به عنوان یک رکن تأثیرگذار در نبرد نامتقارن است. بهمین جهت بسیار مهم است. امام علی (ع) در وصف جهادگران می فرماید: **و حملوا بصائرهم علی اسیافهم**<sup>۴</sup> - بصیرت مثل دوربین دید در شب است.

### ب. بصیرت شاخص اصلی نخبگان و خواص

حضرت علی (ع) می فرماید: **لا یحمل هذا العلم الا اهل البصر و الصبر و العلم بمواضع الحق** - این پرچم پیش تازی و پاسداری را کسی نمی تواند به دست گیرد مگر افراد صبور و اهل بصیرت و عالم به مواضع حق و حقیقت.

### ج. بصیرت عامل برون رفت از فتنه ها

در فتنه ها عامل اصلی شناخت و درک درست، داشتن بصیرت است. حضرت علی (ع) در این باره می فرماید: **من بودم چشم فتنه را کور کردم و کسی جز من جرأت آن را نداشت. من با کسانی درگیر شدم که زمزمه شب و پینه بر پیشانی داشتند. این نبود مگر به خاطر فهم و یقینی که از پروردگار داشتم. «یا ایها الناس فانی فقات عین الفتنة و لم یکن لیجتری علیها احد غیری لعل بصیرة من نفسی و یقین من ربّی»**<sup>۵</sup>

### ۳. مؤلفه های بصیرت

#### الف. شناخت امام و رهبر دینی

امام شناسی مهم ترین شاخصه اهل بصیرت است. امام رضا (ع) می فرماید جایگاه امامت و دست یابی به عمق آن بالاتر از آن است که مردم با عقل خود بتوانند به ارزیابی آن بپردازند یا

اندیشه درستی از آن داشته باشند یا به اختیار خود پیشوایی انتخاب کنند و سروسامانی به آن بدهند. مهم‌ترین چالش امت‌های توحیدی بر سر همین مسئله بوده است.

مثلاً بنی‌اسرائیل در موضوع امام و پیشوای خود به دفعات شک می‌کردند حتی در شب موعود وقتی فرمان آمد از رود نیل بگذرند به موسی گفتند ما را به کجا می‌بری؟ این چه نوع رهبری است؟ خودت اول برو! تردیدهای بنی‌اسرائیل هنگامی که موسی به میقات رفت بیشتر شد. مشکل مردم دوره حضرت موسی، امام‌شناسی بود. بعد از رحلت پیامبر اسلام (ص) نیز در مورد امامت و ولایت تردیدهای زیادی را در جامعه ایجاد کردند و به علت فهم ناقص مردم از جایگاه امامت تحت تأثیر قرار گرفتند.

عبدالرحمن حجاج از یاران امام موسی کاظم (ع) با ابان بن تغلب از محدثین به نام همراه بود. جوانی از ابان سئوال کرد که چند نفر از صحابه پیامبر (ص) با علی (ع) همراه بودند. او می‌خواست بفهمد تعداد یاران علی (ع) چقدر بوده تا محور برای حقانیت علی (ع) و سایرین برایش روشن شود. ابان گفت تو می‌خواهی فضیلت و عظمت علی (ع) را با تعداد صحابه بشناسی؟ جوان گفت بله معیارم همین است. ابان جواب داد: **والله ما عرفنا فضلهم الا باتباعهم اياه.**<sup>۶</sup> والله قسم فضل صحابه به تابعیت از علی مشخص می‌شود یعنی هر کسی از علی تبعیت کرد، او خودی و دارای فضیلت است و غیر از آن ارزش و عظمتی ندارد.

### ب. شناخت خط پیامبر و امام

کسانی می‌توانند مدعی خط امام و پیامبر (ص) باشند که به اصول و معیارهای آن معتقد باشند و به آن عمل نمایند. اصطلاح خط امام که به عنوان تابلو پیروان اندیشه و تفکر امام مطرح شد شاخصه‌هایی دارد و باید معیارهای آن مشخص شود. از این رو شاخصه‌های خط امام را می‌توان در موارد زیر برشمرد و پیروان خط امام را با این شاخص‌ها باید شناسائی نمود:

● دین‌مداری بر مبنای قرآن و سنت و تکیه بر فقه جواهری و اسلام ناب

● مشروعیت الهی رهبری و قوانین

● جامعیت دین اسلام

● عینیت دین و سیاست

● مردم‌سالاری دینی، فعلیت بخشیدن مردم در حکومت

● ظلم‌ستیزی

## ● دفاع از مظلومان

### ● اعتقاد به ولایت مطلقه فقیه

احزاب و گروه‌ها و جمعیت‌های مدعی پیرو خط امام در دوران حیات امام (ره) باید همین معیارها در نگرش و عملکردشان به وضوح ظهور و بروز پیدا می‌کرد و پس از رحلت حضرت امام نیز مهم‌ترین شاخصه ماندن در خط امام پذیرش و پیروی از ولی فقیه است. یعنی معیار خط امامی بودن گروه‌ها و جریانها پس از رحلت حضرت امام بستگی به میزان انطباق نگرش و رفتار و عملکرد آنان با نگرش و رفتار و عملکرد ولی فقیه پس از امام دارد و هر گروهی کاملاً تابع ولی فقیه باشد خط امامی است و گرنه براساس معیار خط امام از چرخه خارج خواهد شد.

### ج. جبهه‌شناسی

جبهه‌شناسی در حرکت یک انسان مؤمن بسیار مهم است. بعد از تقسیم مناصب و مشاغل معمولاً مرزهای جدید اجتماعی، فکری، عقیدتی... بوجود می‌آید و گروه‌ها و دسته‌ها شکل می‌گیرند. فرقه‌های متعدد همه اصل نجات نیستند. باید شاخصه‌های جبهه حق را خوب شناخت. جبهه خودی و غیر خودی کاملاً باید مشخص گردد تا انسان در انتخابات دچار اشتباه نشود. ربیع بن خثیم از یاران علی (ع) نزد آن حضرت آمد و گفت می‌ترسم جنگ صفین مشروع نباشد. حضرت فرمود چرا؟ گفت ما با اهل قبله می‌جنگیم و اینها نماز و قرآن می‌خوانند. من دلم نمی‌آید به اینها تیر بزنم. من را جایی بفرست که جای تردید و شک نباشد. حضرت هر چه راهنمایی کرد نپذیرفت. حضرت او را فرستاد سر مرزی که کفار و مشرکین بودند، چون جبهه کفار و مشرکین را خوب می‌شناخت.

### د. جریان‌شناسی

کسانی اهل بصیرت‌اند که جریان‌ها را خوب بشناسند. گاهی در جامعه جریان‌هایی شکل می‌گیرد که دارای ظاهری آراسته و زیباست اما در باطن فتنه است. افراد با بصیرت باید جریان شناس باشند. مثلاً در جریان خوارج آنان اهل ذکر بودند و ظاهری آراسته داشتند و خیلی از مردم آنها را نمی‌شناختند. اما در حقیقت یک جریان گمراه و انحرافی بودند. یا جریان انجمن حجّتیّه و یا غائله ۱۸ تیر خیلی‌ها را با خود همراه کرد ولی کسانی که اهل بصیرت بودند به راحتی آنها را شناختند. افرادی بودند که به علت فریب ظاهر جریان ۱۸ تیر برای شهدای آن پیام فرستادند در حالی که مشخص شد هیچ‌گونه تلفاتی در بین نبوده است.

## ۴. کارکرد بصیرت

### الف. بصیرت در جنگ و صحنه نبرد:

صحنه نبرد معمولاً با انواع تبلیغات، شایعات و جنگ روانی از ناحیه دشمنان و ستون پنجم همراه است و بینش و بصیرت نافذ در نیروهای جبهه حق نقش بسیار مهمی را در ثبات و پایداری و خنثی‌سازی دسیسه‌های دشمن ایفا می‌کند. تمسک معاویه به ظاهر قرآن در جنگ صفین زمینه‌ساز اختلاف در جبهه حق به فرماندهی علی(ع) و در نهایت موفقیت دشمن در جلوگیری از شکست قطعی خود شد.

### ب. بصیرت در برابر فتنه‌ها و آشوب‌ها:

هنگامی که حکومت حق گرفتار آشوب‌ها، فتنه‌ها و بحران‌های داخلی و منطقه‌ای می‌شود نیروهای مدافع نظام دینی مسئولیت برخورد با آن آشوب‌ها و فتنه‌ها را دارند و در این زمینه بصیرت و درک درست از ماهیت آشوبگران و فتنه‌انگیزان در صلابت و قاطعیت نیروهای عامل نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای دارد. نیرویی که می‌خواهد مجری فرمان علی(ع) در برخورد با خوارج و قلع و قمع این فتنه‌گران باشد نیازمند به درک سیاسی قوی است. اجرای فرمان حضرت امام در برخورد با فتنه جریان نفاق در سالهای اول انقلاب و فتنه‌های کردستان، خلق عرب و مقابله با فتنه ۱۴ اسفند بنی‌صدر و غائله کور ۱۸ تیر در سالهای اخیر مستلزم بصیرت قوی در نیروهای عمل‌کننده است.

### ج. بصیرت در عرصه‌های سیاسی:

در یک حکومت دینی و نظام مکتبی که مشروعیت حاکمیت و قانون نشات گرفته از ذات باری تعالی است و محور حاکمیت و ولی فقیه در سلسله مراتب رهبران دینی و ولایتی قرار گرفته و قانونگذاران متعهد و ملتزم به حکومت دینی و شرع مقدس‌اند و از سوئی ارکان حاکمیت به ویژه شاکیه قوای مقننه و مجریه و نهاد مهمی همچون مجلس خبرگان بر شیوه دموکراسی و بر مبنای رای مردم شکل می‌گیرد، ساماندهی صحیح و درست نهادها بستگی به آگاهی و مسئولیت‌پذیری و حضور هدفمند جریانها، و نیروهای دین‌مدار و اصول‌گرا در همه صحنه‌های سیاسی به ویژه هر یک از مراحل انتخابات دارد و تجربه گذشته و حضور جریانهای غیر دین‌مدار در عرصه‌های قوای مذکور و بروز ناهنجاری‌ها در روند حرکت نظام مبین این حقیقت است که نقش عناصر و نهادها و تشکلهای معتقد و ملتزم به حاکمیت دینی

در این عرصه تعیین کننده است و از لوازم ایفای نقش مؤثر و مفید و تعیین کننده این نیروها برخورداری از بصیرت و بینش سیاسی قوی و شناخت درست جریانها و خطوط و گرایشات سیاسی آنها در جهت تشخیص و تفکیک میزان وابستگی آنها به اصول و مبانی نظام و ولایت فقیه است.

والسلام علیکم ورحمةالله

### پی‌نوشتها:

۱. غررالحکم.
۲. کنز العمال، حدیث ۱۲۲۰.
۳. نهج البلاغه، حکمت ۲۴۲.
۴. نهج، خطبه ۱۵۰.
۵. نهج البلاغه، نامه ۶۲.
۶. معجم الرجال، ج ۱، ص ۱۴۶.

